

## نقش دولت تمدنی در کارآفرینی: چارچوبی برای آینده جمهوری اسلامی ایران

تقی پارسامهر

پژوهشگر آینده پژوهی، دکتری آینده پژوهی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران.

parsamehrvision@gmail.com

### چکیده

هدف این مقاله بررسی نحوه حضور و سیاست‌گذاری دولت تمدنی در کارآفرینی به‌منظور تحکیم درونی قدرت داخلی است. روش تحقیق در این مطالعه، توصیفی - تحلیلی است و اطلاعات به‌شیوه کتابخانه‌ای و انجام مصاحبه‌های عمیق گردآوری شده است. حاصل این پژوهش، ارائه فهمی از چگونگی کارگزاری و سیاست‌گذاری دولت تمدنی (دولتی که ایده تمدنی هدایتگر آن در کنش‌های داخلی از قبیل کارآفرینی و... است) و تمایز آن با سایر اشکال دولت (مانند دولت ملی و...) است. نتیجه اینکه استمرار کنشگری دولت تمدنی جمهوری اسلامی ایران در سطوح محدود کنشگری (سیاسی و نظامی و...)، باعث مسکوت ماندن بخش مهمی از ظرفیت‌های تمدنی (اقتصادی، صنعتی‌سازی و...) می‌گردد؛ و غفلت از منابع تمدنی در حوزه کارآفرینی و توسعه اقتصادی، موجب رویکردهای وارداتی و تکرار

تجارب سایر دولت‌های محدود (دولت‌های ملی و...) می‌شود. کارآفرینی تمدنی، یعنی رویش کارآفرینی بر فراز بافت (داشته‌های مادی و معنوی) و سازگار با آن. فهم از نحوه کنشگری دولت تمدنی در سیاست‌گذاری‌های داخلی، از جمله در سیاست‌گذاری کارآفرینی، ما را به فهم چگونگی ایجاد ثبات و پایداری در قلمروی تمدنی رهنمون می‌شود.

**کلیدواژگان:** دولت تمدنی، کارآفرینی تمدنی، سیاست‌گذاری، بافت تمدنی.

### مقدمه

برای نشان دادن موقعیت مسئله‌خیزی<sup>۱</sup> ابتدا به چند رخداد به‌عنوان شواهد طرح مسئله اشاره می‌شود:

در مارس سال ۲۰۱۱م، با اعتراضات نمازگزاران مسجد اُموی دمشق، شورش‌هایی هم در شهر محروم درعا واقع در جنوب سوریه آغاز گردید. این شورش‌ها به تدریج در سایر شهرها مثل حمص گسترش یافت. دیری نگذشت که با مداخله عوامل خارجی، این شورش‌های داخلی به جنگ داخلی خانمان‌سوز با میلیون‌ها آواره و تلفات مالی و جانی فاجعه‌بار مبدل شد («گاه‌شمار جنگ داخلی سوریه»، به نقل از گاردین، ۲۰۱۱).

در عراق نیز در اکتبر ۲۰۱۹م، مجموعه اعتراضاتی در قالب تظاهرات، پیاده‌روی، تحصن و اعتصاب شکل گرفت. هدف این حرکت‌ها، ابتدا اعتراض به فساد، بیکاری و ناکافی بودن خدمات عمومی بوده است که در ادامه با مداخله سایر نیروها، به تخریب و براندازی تغییر جهت داد («گاه‌شمار اعتراضات در عراق»، ویکی‌پدیا).

در آبان‌ماه ۱۳۹۸ در ایران اعتراضات سراسری شکل گرفت. ابتدا هدف این تجمعات مردمی اعتراض به افزایش قیمت بنزین و احتمالاً اعتراض به بیکاری، تورم، فساد و... بوده است؛ اما با مداخله عوامل خارجی یا احتمال خطاهای راهبردی برخی از کنشگران، اعتراضات مردمی به سوی خشونت، تخریب و کشتار منحرف شد («اعتراضات آبان ۱۳۹۸ ایران»، ویکی‌پدیا).

۱. موقعیت مسئله‌خیزی یا پروبلماتیک، موقعیتی است معماگونه. این موقعیت خاستگاه مشروعیت‌بخشی به پژوهش جدید است.

با تأمل بر رخداد‌های بالا، معلوم می‌شود که اگرچه عوامل خارجی برای شکل‌گیری و شتاب‌بخشی به سناریوهای فروپاشی در قلمرو تمدن اسلامی نقشه‌ها داشته‌اند و خواهند داشت، اما این جوامع قلمرو تمدن اسلامی به‌صورت تاریخی فاقد زنجیره‌های ارزش‌ساز تمدنی در حوزه‌های اقتصادی، کسب‌وکار، و... بوده‌اند. بر این اساس، در این جوامع به‌دلیل فقدان زنجیره‌های ارزش‌ساز تمدنی در بُعد کارآفرینی، همواره نارضایتی‌های ناشی از بیکاری، رانت و فساد وجود داشته و خواهد داشت؛ و این جوامع همیشه مستعد و آماده شورش‌های اجتماعی و فروپاشی تمدنی هستند.

جمهوری اسلامی ایران به‌مثابه یک دولت تمدنی است؛ چراکه نقشی که در موقعیت منطقه‌ای و جهانی برای خود قائل است، مبتنی بر نوعی معنابخشی تمدنی است که از هویت تمدنی اسلامی اثر می‌پذیرد و بر محیط تأثیر می‌گذارد؛ که این نوع‌گنشگری تمدنی فراتر از گنشگری در سطح ملی است. ایران در بعد نظامی در جبهه مقاومت در مقابله با داعش و در بعد فرهنگی در احیای زیارت اربعین، مصداق دولت و کنشگری تمدنی است؛ اما دولت تمدنی ایران در حوزه اقتصادی و کارآفرینی، نسبت به کنشگری نظامی، فرهنگی و سیاسی توفیق قابل توجهی نداشته است؛ یعنی قابلیت‌های تمدنی دولت در بعد اقتصادی و کارآفرینی هنوز مسکوت مانده است.

ایران انقلاب اسلامی را به پیروزی رساند و حکومت اسلامی را شکل داد؛ اما در بعد اقتصادی عمدتاً تحت تأثیر مدرنیته غربی بوده است تا «مجموعه داشته‌های خودی»؛ یعنی هنوز نتوانسته است بر اساس داشته‌های معنوی و مادی خود به کنشگری در بعد اقتصادی و کارآفرینی بپردازد.

بر اساس نگاه تاریخی، در اوایل انقلاب، اقتصاد ایران تحت تأثیر رویکردهای چپ قرار گرفت و بر این اساس بخش خصوصی به‌شدت به حاشیه رفت. این روند منجر به بحرانی شدن هزینه‌های عمومی، سنگین شدن دولت، کاهش تولید و کاهش رشد گردید که پیامد آن کاهش تولید و رشد و کاهش اشتغال و کارآفرینی بوده است (پارسامهر، ۱۳۹۴: ص ۱۲۶-۱۶۰). در پاسخ به این رویکرد افراطی، از زمان پایان جنگ تحمیلی، بین دولت و بخش خصوصی نوعی دوگانگی و تقابل شکل گرفت، که دولت نه‌تنها مانع اصلی توسعه کسب‌وکارها، بلکه در نقطه تقابل جوهره حکومت قانون تلقی

شد (طیبیان و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۲۲۵). بر این اساس، تأکید بر مکانیسم بازار و به‌انفعال کشاندن دولت و قائل شدن به نقش حداقلی دولت، آن‌هم فقط محدود به شرایطی خاص، مثل جبران کاستی‌های مکانیسم بازار، مورد توجه قرار گرفت (نیلی، ۱۳۸۲: ص ۳۸۷). این رویکرد نئوکلاسیک با توجه به توفیقاتی که برای برخی از دولت‌های غربی مثل ریگان و تاچر دربرداشت، به شعار دهه هشتاد تبدیل شد و در ایران نیز برجسته‌سازی بخش خصوصی و به‌حاشیه‌رانی دولت، علاج عام و فراگیر همه مسائل، از جمله کارآفرینی و کسب‌وکارها معرفی گردید؛ اما در ایران به‌دلیل ریشه نداشتن این رویکرد در بافت تاریخی و اجتماعی جامعه، خصوصی‌سازی تقلیدی و وارداتی در بسیاری از صنایع مثل برق و نیروگاه‌ها فاجعه‌بار بوده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۱)؛ یعنی خصوصی‌سازی بدون توجه به بافت جامعه، در توسعه و خلق کسب‌وکارها هیچ توفیق قابل توجهی نداشته است.

بنابراین، مسئله این تحقیق این است که جمهوری اسلامی به‌مثابه یک دولت تمدنی، چگونه و با چه رویکردی در حوزه کارآفرینی و خلق کسب‌وکارهای جدید کنشگری کند تا قابلیت‌های مسکوت‌مانده تمدن نوین اسلامی در حوزه کارآفرینی و کسب‌وکارها فعال شود؛ به‌گونه‌ای که توسعه زنجیره‌های ارزش‌ساز تمدنی از طریق گسترش اشتغال و علاج مسائل اقتصادی، عوامل درونی بی‌ثباتی و شورش‌ها به حداقل ممکن کاهش یابد و ثبات تمدنی پایه‌ریزی گردد. منظور از دولت تمدنی جمهوری اسلامی این است که این دولت در کنشگری خود در مقیاس خارجی و داخلی از تمدن ایرانی اسلامی (شامل ایده و هویت تمدنی و نگاه تمدن اسلامی، بهره‌گیری از تجارب تمدنی، بهره‌گیری از تجربه‌های موفق سازگار با بافتار ایرانی و اسلامی به‌ویژه در چهل سال پس از انقلاب اسلامی و...) هدایت و اثر می‌پذیرد. تمدن بودن دولت و کارآفرینی ناظر بر سازگاری با خاص‌بودگی جامعه ایرانی و در مقابل رویکردهای تقلیدی - تعمیمی و بیگانه با بافتار معنا پیدا می‌کند.

بنابراین سؤال اصلی این تحقیق چنین است: جمهوری اسلامی ایران به‌مثابه دولت تمدنی چگونه و از طریق چه سازوکارهایی می‌تواند کنش کارآفرینی داشته باشد؟ سؤالات فرعی نیز عبارت است از: کارآفرینی تمدنی با سایر اشکال کارآفرینی چه

تفاوتی دارد؟ و نگاه به دولت کارآفرین از منظر تمدنی چه تمایزی با سایر اشکال دولت‌های کارآفرینی دارد؟

### ۱. مروری بر تحقیقات پیشین

درباره عنوان تحقیق (دولت تمدنی و کنشگری در کارآفرینی) تاکنون هیچ تحقیقی یافت نگردید. در مدار تحقیقات پیشین، در زمینه دولت تمدنی و کارآفرینی تحقیقاتی انجام شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

یافته‌های پژوهشی زانگ ویوی<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) با عنوان موج چین: ظهور یک دولت تمدنی به شواهدی مبنی بر پایان نظم جهانی لیبرال و ظهور الگوی نوینی از سازمان‌دهی سیاسی جهان بر اساس دولت تمدنی اشاره دارند. در این پژوهش، چین و روسیه در زمره حکومت‌هایی قرار می‌گیرند که لیبرالیسم غربی را رد، و خود را از منظر تمدنی با ویژگی‌های یگانه فرهنگی و نهادهای سیاسی تمدنی تعریف می‌کنند (Weiwei, 2012: P.205).

جان. ام هابسون<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) در کتابی با عنوان ریشه‌های شرقی تمدن غربی اشاره می‌کند که روایت اروپامرکزی تمدن کم‌وبیش استمرار دارد. مفروض مستتر در روایت اروپامرکزی، این است که اروپا (غرب) نسبت به تمدن‌های دیگر دارای برتری است. هسته اصلی تمدن اروپایی در مقایسه با تمدن کهن، جامعه‌مدار و استبدادی چین عقلانیت و دموکراسی بوده، و چین به دلیل عدم پیروی از مدل غربی دچار شکست خواهد شد (Hobson, 2004: P.1).

برنال و آتنا<sup>۳</sup> (۱۹۸۷) در کتابی با عنوان ریشه‌های آسیایی آفریقایی تمدن کلاسیک دو دیدگاه اصلی را مطرح می‌کنند. دیدگاه اول این است که یونان با آن دموکراسی باستانی، فلسفه، عقلانیت علمی که به مدل آریایی مشهور است، ریشه تمدن اروپایی است؛ اما در نگاه دوم، آسیا به‌طور عام و مصر به‌طور خاص ریشه اصلی تمدن اروپایی محسوب می‌شود (Bernal & Athena, 1987: P.22-37).

1. Zhang Weiwei.
2. John M. Hobson.
3. Bernal and Athena.

کین<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) در کتابی با عنوان سود و زیان‌های سیاستی در تاریخ دودمان‌های چینی به دولت تمدنی از منظر ساخت دولت می‌پردازد. او با نگاه تاریخی، تقابل بین چین باستان، یونان، و روم را برجسته می‌کند. او اشاره می‌کند که یونان باستان دارای مردم بود؛ اما یک دولت واحد و منسجم نداشت؛ و روم دارای یک دولت یکپارچه بود؛ اما فاقد یک ملت بود؛ اما در مقایسه با آنها، چین باستان دولت یکپارچه و واحد بود با یک ملت (زبان واحد، نظام واحد، سیستم واحدی از معیارها و...). او یونان باستان را مردم به غیر از دولت واحد، ترکیبی بدون قیدوبند از شهرهای متکثر کوچک می‌داند، که هریک از آنها ده‌ها هزار جمعیت دارد، که آنها کوچک‌تر از شهرک‌ها و محلات در سلسله‌های چین<sup>۲</sup> (از ۲۰۶-۲۲۱ قبل از میلاد) یا دودمان هان<sup>۳</sup> (از ۲۰۶ قبل از میلاد تا ۲۲۰ بعد از میلاد) بودند (Qian, 2012: P.6-7).

دیوید آهالستروم<sup>۴</sup> و زهجون دینگ<sup>۵</sup> (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «کارآفرینی در چین، یک نگرش جامع»، اشاره می‌کنند که کارآفرینی در چین رشد قابل توجهی داشته که پیامد آن خلق مشاغل جدید بوده است. رشد تولید ناخالص داخلی ده برابر شده است. کارآفرینی در چین جدید توسط جوانان تحصیل‌کرده انجام می‌شود. بافتار کارآفرینی چین شامل مجموعه‌ای از ترتیبات نهادی و تفاهم‌های فرهنگی است که هر دوی این دو مجموعه تاریخ ویژه اجتماعات چینی در بافتار تاریخی ریشه یافته‌اند (Ahlstrom & Ding, 2014: P.610-618).

هال<sup>۶</sup> و دیگران (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «توسعه پایدار و کارآفرینی: سهم گذشته و مسیر آینده» بین پژوهش‌های نوظهور و توسعه پایدار و کارآفرینی پیوند برقرار می‌کنند. آنها چنین بیان می‌کنند که کارآفرینی به‌مثابه مجرای اصلی فرایندها و

1. Qian.
2. Qin.
3. Han.
4. David Ahlstrom.
5. Zhujin Ding.
6. Hall.

محصولات پایدار به شمار می‌رود. با توجه به افزایش فجایع محیطی و اجتماعی که به تسلط نگاه‌های بدبینانه منجر می‌شود، در این تحقیق، نجات تمدن‌ها بر دوش قهرمانان کارآفرینی محیطی - اجتماعی نهاده شده است (Hall et al, 2010: P.439-448).

حسینی‌نیا و بیطرف (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «دولت کارآفرین، اصول و مفاهیم»، مفهوم دولت کارآفرین را به‌عنوان راهکار برای مرتفع ساختن مشکلات اداری - دولتی مطرح کرده‌اند. در این تحقیق، ویژگی‌های دولت کارآفرین، موانع و چالش‌های آن و نحوه تسهیل و اثربخشی فرایند کارآفرینی در سازمان‌های دولتی مورد بررسی قرار گرفته است (حسینی‌نیا و بیطرف، ۱۳۹۴).

فتاحی و طباحیان (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش سیاست‌های دولت در بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه» بر یک چهارچوب مفهومی تمرکز می‌کنند که در آن نقش سیاست‌های دولت در بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه برجسته شده است. مطابق این تحقیق، دولت باید به خلق محیط زمینه‌ای جهت رویش کارآفرینی بپردازد (فتاحی و طباحیان، ۱۳۹۵: ص ۱۵۱-۱۷۳).

این تحقیق در امتداد و تکمیل مدار تحقیقات دولت و تمدنی و تحقیقات کارآفرینی با بدنه دانشی موضوع ارتباط برقرار می‌کند. همچنین در راستای جبران کاستی‌های تحقیقات پیشین، کارآفرینی دولت تمدنی را مورد بررسی قرار داده است.

## ۲. چهارچوب نظری

### ۲-۱. بررسی مفهومی تمدن و دولت تمدنی

تمدن از شئون اجتماعی انسان است (ابن‌خلدون، ۱۳۶۶: ص ۵۷)؛ یعنی تمدن وقتی به عرصه وجود می‌آید که بعد اجتماعی انسان شکل گرفته باشد. ویل دورانت بر نظم‌پذیری اجتماعی تأکید می‌ورزد، که بسترساز امکانی فعالیت‌های فرهنگی است (دورانت، ۱۳۷۸: ص ۱۰۳). هانتینگتون تمدن را یک نوع وجود فرهنگی محسوب می‌کند (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ص ۴۴). از منظر هرسکویتس، تمدن عبارت است از مجموعه‌ای از دانش‌ها، هنرها، فنون، آداب و رسوم مبتنی بر نهادهای اجتماعی که بر اساس پیشران‌های اختراعات فناوری و فعالیت‌های فردی و گروهی در سیر تاریخی،

تکامل و توسعه می‌یابد (روح‌الامینی، ۱۳۷۷: ص ۴۹). از نظر لوکاس، تمدن یک پدیده درهم‌پیچیده و درهم‌تنیده‌ای است از رخدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، هنری و ادبیاتی (لوکاس، ۱۳۶۶: ص ۱۶). توین‌بی تمدن را حاصل کنش عاملیت نوآوارنه و نبوغ طبقه ممتاز جامعه تلقی می‌کند. از نظر او، این اقلیت نخبه و طبقه ممتاز است که تمدن را پدید می‌آورند (توین‌بی، ۱۳۷۶: ص ۱۵۴). شریعتی تمدن را به مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی تعبیر می‌کند (شریعتی، ۱۳۵۹: ص ۵).

از نظر نگارنده مقاله، تمدن به همه داشته‌های مادی و معنوی اطلاق می‌شود، که در سیر تاریخی و اجتماعی به تدریج تکوین یافته و بر نحوه کنشگری کارگزاران از قبیل دولت، سیاست‌گذاران، نهادها، و مردم اثرگذاری تمدنی را دارد. منظور از همه داشته‌های مادی و معنوی این است که تمدن را نباید فقط به عوامل و ابعاد فرهنگی و سیاسی محدود کرد؛ بلکه عوامل و داشته‌های مادی، اقتصادی، کارآفرینی، صنعتی‌ساز و... همه در شاکله تمدنی به کلیت می‌رسند.

تمدنی بودن به این دلیل اهمیت دارد، که تمدن‌های متفاوت از قبیل تمدن مدرن غربی، تمدن کنفوسیوسی، تمدن اسلامی و... هر یک محیط نهادی کنشگری سازگار با خود را به وجود می‌آورند و بر نحوه کنشگران در حوزه‌های انضمامی زندگی مثل، سیاست خارجی، و سیاست‌گذاری‌های عمومی و نهادسازی و... تأثیر بنیادینی دارد. تمدنی بودن یک امر انتزاعی محض جدا از زندگی واقعی نیست؛ بلکه جریانی است که همه شئون زندگی اجتماعی و فردی را دربرمی‌گیرد. تمدنی بودن، یک رویکرد صرفاً خنثی نیست؛ بلکه این معنا سازنده واقعیت‌های جهان انضمامی از قبیل نظم بین‌المللی، حکمرانی و سیاست‌گذاری‌های داخلی، خلق کسب‌وکارهای جدید و کارآفرینی است.

## ۲-۲. بررسی دولت تمدنی

دولت تمدنی دولتی است که در کنش سیاستی از تمدن (ایده و نگاه تمدنی، تجارب انباشته تاریخی، بازاندیشی در شکست‌ها و پیروزی‌ها ... سازگار با بافتار حاکم بر خود) اثر می‌پذیرد. به بیان دیگر، فهم و تبیین نحوه اثرپذیری دولت از تمدن، در تمام شئون داخلی و خارجی ما را به گشایش پنجره امکانی جدیدی تحت عنوان «دولت تمدنی» رهنمون



می‌سازد. تفاوت دولت تمدنی با سایر اشکال دولت در طیف وسیعی از امکانات اثرگذار است که دولت با برخورداری از آنها در عرصه‌های گوناگون فرهنگی و اقتصادی به کنشگری می‌پردازد (نوروزی، ۱۳۹۴: ص ۱۰۱-۱۳۱). به عبارت دیگر، اگر در شکل‌گیری یک دولت یا کنشگری آن دولت، تمدن (ایده و نگاه تمدنی، تجارب انباشته تمدنی و...) مشخص نقش کلیدی در هدایتگری را بر عهده بگیرد، آن دولت، تمدنی است؛ یعنی وجه تمایز دولت تمدنی با سایر اشکال، اثرپذیری از ایده‌هدایتی است (عبدخدایی، ۱۳۹۳: ص ۹۷-۱۲۲). کاکس<sup>۱</sup> معتقد است که نظم موجود جهانی از طریق تغییر شکل دولت‌ها از سرزمینی - ملی به تمدنی در حال تغییر است (Cox, 1987: P.108). مطابق این نظر، تمدنی بودن، روابط بین‌الملل، نظم‌های منطقه‌ای و نظم جهانی مبتنی بر دولت - ملت را دستخوش تغییر قرار داده و نظم نوینی بر اساس دولت‌های تمدنی در حال ظهور است. دولت‌هایی که هویت خود را از تمدن می‌گیرند، در حال افزایش‌اند. دولت‌هایی مانند چین، هند، ترکیه و ایران مصداق دولت‌های تمدنی هستند.

احمد داوداغلو معتقد است هنگامی تمدن و دولت تمدنی به قلمرو حیات و بالندگی می‌رسد که محیط آن دولت، یعنی جامعه‌ای که دولت از آن هویت و اثر می‌پذیرد، به حیات و بالندگی دست یافته باشد (Davutoglu, 2014: P.11). مطابق این نظر، هیچ‌گاه تمدن و دولت تمدنی فقط در لایه فرهنگ و امور ملموسی مانند ابنیه، میراث فرهنگی و... محدود نمی‌شود؛ بلکه تمدنی بودن، در همه ابعاد از جمله سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و خلق کسب‌وکارها تبلور پیدا می‌کند. کانسنی<sup>۲</sup> بر شمولیت تمدن تأکید دارد؛ یعنی تمدنی بودن نوعی روش جامع و کلیت‌یافته‌ای است که کل زندگی مشترک انسان‌ها، زندگی مادی و معنوی، فرد و خانواده، جامعه و دولت، اخلاق، هنر، آموزش و... را دربرمی‌گیرد (Koneczny, 1962: P.10). منداویل<sup>۳</sup> بر ویژگی تمدنی بودن در خصوص نمایندگی از شکل کثرت‌گرا و پاسخ‌گویی به نیازهای متکثر تأکید می‌ورزد (Mandaville, 2007: P.135).

1. Cox.
2. Koneczny.
3. Mandaville.

### ۲-۳. از دولت تمدنی تا کارآفرینی تمدنی

ریشه کارآفرینی<sup>۱</sup> از واژه فرانسوی آنترپراندر<sup>۲</sup> به معنای بر عهده گرفتن و ریسک کردن است که مستلزم نوعی کنترل درونی است. این مفهوم از کارآفرینی مورد توجه بسیاری از افراد مانند شومپتر، کانتیلون، و فلیون قرار گرفته است (احمدپورداریانی، ۱۳۸۳: ص ۸۲). بنابراین دولت کارآفرین دولت برعهده‌گیر و مسئولیت‌پذیر است. از نظر برخی، کارآفرینی موجب تمرکز منابع محدود در حوزه‌های پربهره‌ور است (Sadler, 2010: P.25-43). نهادهای کارآفرین، از آنجاکه روی لبه‌های شایستگی‌های محوری خود عمل می‌کنند، به‌جای اینرسی در شرایط موجود، با ناشناخته‌های تجربه‌نشده درگیر می‌شوند و همواره به آینده توجه می‌کنند (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ص ۷۵-۸۳). بنابراین نهادهای کارآفرین، از جمله دولت کارآفرین، سازمان‌های آینده‌محور هستند.

در نگاه‌های سنتی به کارآفرینی، ممکن است این مفهوم در قلمرو شرکت‌های کوچک، متوسط و بخش خصوصی، تعریف شود؛ اما امروزه توجه محققان به دولت کارآفرینی و تأثیر کارآفرینی در حکمرانی و سیاست‌گذاری عمومی جلب شده است (جهانگیری و مبارکی، ۱۳۸۸: ص ۶۶-۳۵). در عصر پیچیدگی امروزی، دولت‌های بوروکرات به‌سختی به‌چالش کشیده شده‌اند و امروز «دولت کارآفرین» توجه بسیاری را به خود جلب کرده است (Tajeddini, 2010: P.221-231). با توجه به چالش‌های عصر پیچیدگی، جوامع با بوروکراسی‌های سنتی یا جدید، قادر به انطباق‌پذیری با تغییرات نخواهند بود. جوامعی قادر به بقا می‌شوند که دولت کارآفرین را مورد اقبال قرار دهند.

از نظر نگارنده، اندیشه‌ورزی تمدنی وقتی ارزشمند است که منجر به ظهور وجه «بیداری و متعالی» ما مقیمان قلمرو تمدنی گردد. تمدنی بودن باید موجب بیداری، حرکت‌های بزرگ، جوشش و رویش‌های نوین در همه شئون از جمله سیاست‌گذاری، اقتصاد، کسب‌وکارها و... گردد. کارآفرینی تمدنی به‌دلیل ریشه داشتن در عناصر درونی و تکوینی جامعه اسلامی، در مقایسه با نسخ وارداتی (چپ و راست مدرنیته) زمینه‌ساز

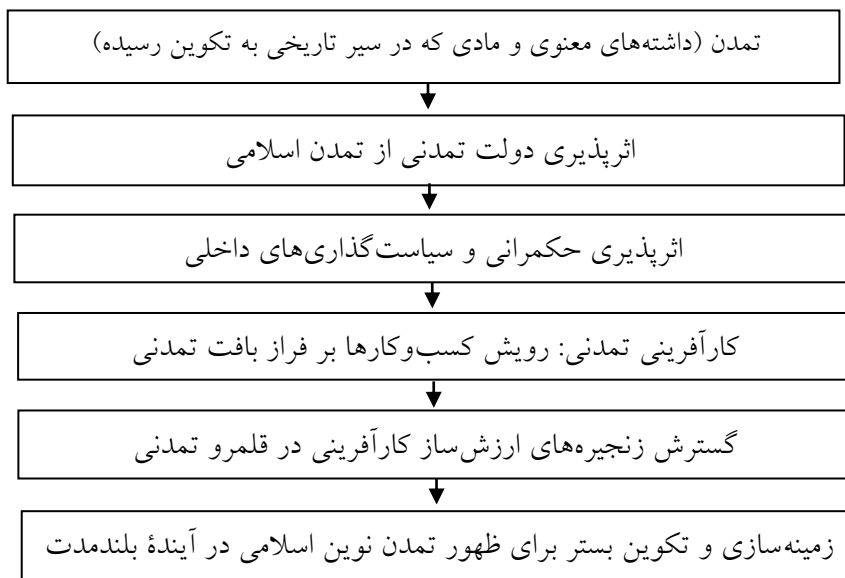
1. Entrepreneurship.

2. Entreprenndre.

ظهور وجه متعالی و بیدار کنشگران می‌گردد. تمدنی بودن کارآفرینی چهارچوبی است برای بازتعریف دولت، کارآفرینی، کسب‌وکارها و... که سازگار با بافتار تمدنی (شامل ایده‌ها و اندیشه‌های تمدنی، تجارب انباشته تمدنی، یادگیری از شکست‌ها و پیروزی‌های سیاستی در حوزه کارآفرینی و... و توجه به خاص‌بودگی حوزه تمدنی) است.

#### ۲-۴. مدل تبیینی تحقیق

در این تحقیق، دولت جمهوری اسلامی ایران از منابع متکثر و غنی تمدنی، هویت خود را کسب می‌کند. در عرصه خارجی و داخلی برای کنشگری از ایده تمدنی بهره می‌برد. در عرصه داخلی برای کارآفرینی، نه از نئوکلاسیک و لیبرال، و از دولت‌های چپ بوروکرات، بلکه از بافتار (همه داشته‌های تکوین‌یافته) بهره می‌جوید. حکمرانی و سیاست‌گذاری آن مبتنی بر بافت است. در این مدل، کسب‌وکارهای کارآفرینی به‌طور طبیعی و تکوینی در زمینه خود رویش می‌کنند. ایجاد زنجیره‌های ارزش‌ساز کارآفرینی در سراسر قلمرو تمدنی، باعث رونق و اشتغال، پایداری و ثبات تمدنی می‌شود. و زمینه برای ظهور تمدن نوین اسلامی فراهم می‌شود.



شکل ۱. مدل تبیینی تحقیق

### ۳. روش تحقیق

در تحقیق حاضر، از روش تحلیلی - توصیفی و روش تحقیق کیفی روایت پژوهی استفاده شده است. برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق، از روش کتابخانه‌ای، و در روش میدانی از فن مصاحبه و انجام مصاحبه عمیق - که از روش‌های علمی پژوهشی محسوب می‌شوند - استفاده شده است. مصاحبه‌شوندگان از کسانی انتخاب شدند که علاوه بر دانش نظری و دانشگاهی، مدیران و کارشناسان صنایع دارای تجربه‌زیسته‌های ارزشمندی بوده، دارای تجارب عملی با موضوع کارآفرینی باشند. بنابراین یافته‌ها از اعتبار کافی برخوردار است.

در قالب مصاحبه کیفی<sup>۱</sup>، به صورت فردی و جداگانه رعایت ساختار مراحل سه‌گانه مصاحبه عمیق (اروینگ سیدمن) رعایت شد. علاوه بر مصاحبه فردی، از جلسات گروهی نیز استفاده گردید. این جلسات معمولاً شش ماه، به صورت هفتگی برگزار می‌شود.

از میان روش‌های نمونه‌گیری، با توجه به اهداف پژوهش، نمونه‌گیری قضاوتی استفاده شده است. در نمونه‌گیری قضاوتی، واحدهای نمونه با توجه به ذهنیت پژوهشگر انتخاب می‌شوند و پژوهشگر تلاش می‌کند نمونه‌هایی را که معرف جمعیت باشد، گزینش کند. در این تحقیق، فراگرد مصاحبه تا مرحله اشباع نظری پیگیری شده است. اشباع نظری معیاری است برای تعیین نمونه‌ها که بر مبنای آن، پژوهشگر تا حد اشباع مصاحبه‌ها را انجام داده است. اشباع، سطح و حدی است که پاسخ به سؤال‌های عمده پژوهش اشباع می‌شود و داده‌های جدیدی در فراگرد جمع‌آوری اطلاعات داده ایجاد نمی‌شود. در نگارش این مقاله با انجام بیست مصاحبه با متخصصین حوزه‌های سیاست‌گذاری صنعتی، سیاست‌گذاری عمومی، اقتصاد، و جامعه‌شناسی، مدیران و کارشناسان صنایع دارای پرکتیس عملی، اشباع نظری حاصل شد؛ به نحوی که مصاحبه با متخصصان این حوزه‌ها آن قدر استمرار یافت که دیگر پاسخ‌های جدیدی در فراگرد مصاحبه به دست نیامد و پاسخ‌ها به حالت تکرار درآمد و فراگرد مصاحبه به پایان رسید. در جدول شماره ۱ مشخصات مصاحبه‌شوندگان آمده است.

1. Quality Interview.

جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	مصاحبه‌شوندگان	تعداد	مدرک تحصیلی
			دکتری
			کارشناسی ارشد
۱	سیستم دینامیک	۱	*
۲	کارآفرینی	۱	*
۳	علوم شناختی	۱	*
۴	سیاست‌گذاری صنعتی	۱	*
۵	خط‌مشی‌گذاری	۲	*
۶	اقتصاد و اقتصاد مقاومتی	۲	*
۷	جامعه‌شناسی	۲	*
۸	مدیران صنعت	۳	*
۹	کارشناسان صنعت	۷	*

با توجه به حوزه‌های تخصصی، پرسش‌های هر حوزه تخصصی به صورت مجزا تدوین گردید.

#### ۴. یافته‌های تحقیق

در این تحقیق، با توجه به محدودیت‌های پیش رو تلاش شده است تا با تأمل بر متون مرتبط از قبیل منابع کتابخانه‌ای و متنی، و همچنین انجام مصاحبه‌های عمیق و برگزاری جلسات گروهی با خبرگان علمی و صنعتگران، ابعاد مهم و کلیدی کارآفرینی تمدنی در حوزه خاص و یگانگی بافتار ایرانی - اسلامی مورد شناسایی قرار گیرد. بنابراین یافته‌های این تحقیق حاصل مطالعه کتابخانه‌ای و انجام مصاحبه است.

##### ۴-۱. کارآفرینی تمدنی: سناریویی برای آینده

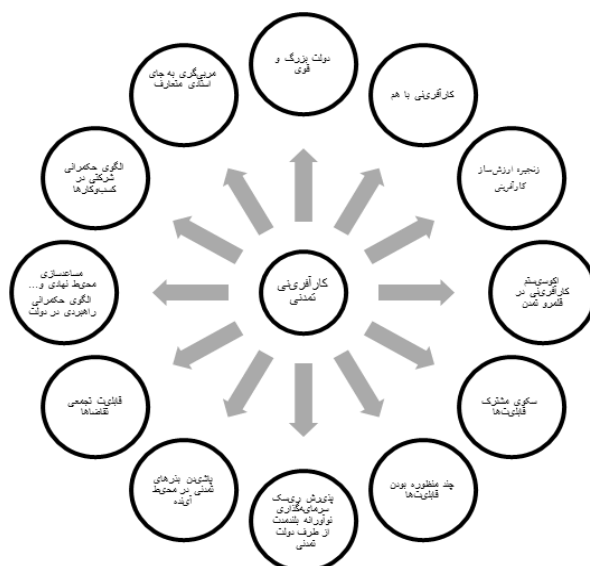
مهم‌ترین یافته این تحقیق، کارآفرینی تمدنی یا کارآفرینی بر فراز بافت<sup>۱</sup> است.

1. Context.

«کارآفرینی تمدنی» نوعی از کارآفرینی است که بر فراز بافت (تمام داشته‌های معنوی و مادی) رویش می‌کند؛ یعنی ریشه‌های عمیق آن در داشته‌ها و با شرایط تکوینی جامعه که هویت‌بخش دولت تمدنی است، قرار دارد. کارآفرینی تمدنی در مقابل رویکردهای کارآفرینی‌های وارداتی و تقلیدی قرار دارد. ما برای این مفهوم بنیادین یعنی «کارآفرینی تمدنی به معنای رویش بر فراز بافت» از قرآن کریم الهام گرفته‌ایم.

«الْمُ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ». شجره طيبة درختی پاک است که در اعماق خاک ریشه دارد و با زمین و آسمان اقلیم سازگار است. به همین دلیل به‌طور مستمر آثار و ثمراتی از قبیل رشد داشتن، پرمیوه بودن، سایه‌دار و پایدار بودن دارد. اگر درختی فاقد ریشه عمیق در خاک و ناسازگار با شرایط بافت اقلیمی باشد و به‌طور عارضی در یک اکوسیستم طبیعی متفاوت وارد شود، به دلیل نداشتن عمق در لایه‌های ژرف، ثمرات آن کم و عمر آن کوتاه‌مدت خواهد بود. مطابق این تعریف، تمدنی بودن به معنای سازگاری با بافت است. بنابراین می‌توان به مصداق‌های تمدنی از قبیل دولت تمدنی، صنعتی‌سازی تمدنی، اقتصاد تمدنی و... اشاره کرد.

در ادامه، ابعاد متعدد این سناریو توضیح داده می‌شود.



شکل ۲. ابعاد کارآفرینی تمدنی

#### ۴-۱-۱. دولت بزرگ

این تحقیق نشان داد که دولت حداقلی، ریسک‌گریز و منفعل، برای کارآفرینی تمدنی کفایت ندارد. یکی از ابعاد مهم «کارآفرینی تمدنی اسلامی - ایرانی»، «دولت بزرگ» است. دولت بزرگ، به معنای داشتن تکفل بحرانی، هزینه‌های انباشته و کسری بودجه و پیش‌خور کردن منابع آینده نیست. دولت بزرگ تمدنی یعنی دولتی با چشم‌اندازهای بدیع و نقش قوی در بازی بزرگ کارآفرینی. دولت هدایتگر برای سرمایه‌گذاری در صنایع آینده‌دار یعنی پیشران رشد و کارآفرینی در بخش خصوصی و عمومی. به عبارت دیگر، دولت تمدنی در انقلاب‌های کارآفرینانه آینده، از طریق ترتیبات جدید نهادی، هدایتگری تأمین منابع مالی در زنجیره‌های تمدنی کارآفرین درخشش خواهد داشت. دولت تمدن کارآفرینی، بازیگری شجاع و ریسک‌پذیر است که در زنجیره کارآفرینی حضور فعالی دارد.

#### ۴-۱-۲. اصل مکملیت (کارآفرینی تنها نه، دولت کارآفرین با بخش خصوصی کارآفرین)

در کارآفرینی‌های نئوکلاسیک، کارآفرینی بر عهده بخش خصوصی است و بخش خصوصی و عمومی - دولتی در نقطه تقابل با هم قرار دارند؛ درحالی‌که در «کارآفرینی تمدنی مبتنی بر بافتار اسلامی - ایرانی» خصوصی‌سازی به معنای رهاسازی و بی‌مسئول‌سازی نیست. اصل مسئولیت‌پذیری همه در مقابل یکدیگر، از منابع ناب دینی اخذ شده است و همه نسبت به دیگری مسئولیت دارند و بازخواست خواهند شد. دولت در مقابل بخش خصوصی، و بخش خصوصی در مقابل بخش عمومی، نسل کنونی در مقابل نسل آینده و... همه مسئول هستند. در پرتو کارآفرینی تمدنی اسلامی، دولت و بخش خصوصی مکمل یکدیگر هستند. در اینجا، کارآفرینی، یک بازی دو جانبه دولت و بخش خصوصی است که سرنوشت یکی وابسته به دیگری است. به عبارت دیگر، کارآفرینی دولتی و کارآفرینی بخش خصوصی امتداد یک کلیت واحد تمدنی در بعد کسب‌وکار است. به همین دلیل هر دو بخش، به منظور پیروزی و رشد دیگری، مراقبت ویژه اعمال می‌کنند.

#### ۴-۱-۳. زنجیره‌های ارزش‌ساز کارآفرینی در قلمرو تمدن

دولت تمدنی باید قابلیت‌های ارزش‌ساز کارآفرینی را از میان انبوه سازمان‌ها، بخش‌های

عمومی و خصوصی، شرکت‌های دانش‌بنیان در قلمرو تمدنی تشخیص دهد و شناسایی کند. این قطب‌های ارزش‌آفرین، زنجیره ارزش‌ساز کارآفرینی را در وسعت تمدن شکل می‌دهند؛ یعنی دولت تمدنی، به‌مثابه هسته کانونی، از طریق نوعی غربال بازیگران، قابلیت‌های مستعد و مولد را در کل جغرافیایی تمدنی وارد آرایشی تازه در صحنه بزرگ خلق کسب‌وکارها می‌کند. دولت تمدنی برای انتخاب قطب‌های مستعد و شکل‌دهی به زنجیره ارزش‌ساز کارآفرینی می‌تواند از معیارهای زیر استفاده کند:

- میزان ظرفیت بالقوه نیاز و تقاضا (در حال و آینده) برای آن صنعت؛
- میزان تطابق شایستگی محوری آن صنعت، با آمایش (تناسب با مزیت‌های سرزمینی و اقلیمی، فرهنگی) در قلمرو تمدنی؛
- میزان طول عمر آن صنعت یا فناوری: فناوری‌ها و صنایع با عمر طولانی‌تر مثل صنایع ریلی، کارآفرینی پایدارتری نسبت به فناوری‌های با عمر کوتاه مثل فناوری‌های گوشی همراه دارند؛
- صنایع با مشتریان نهادی: صنایعی که دارای مشتریان سازمانی هستند، نسبت به مشتریان نهایی بیشتر در کارآفرینی نقش دارند؛
- امکان امتداد کسب‌وکار و بازار در قلمرو تمدنی: صنایعی انتخاب شوند که بتوان در سراسر منطقه تمدنی، کشورهای حوزه تمدن اسلامی، صنعت و بازار آنها را امتداد داد؛ مثل توربین‌های نیروگاهی.

#### ۴-۱-۴. دیپلماسی تمدنی، اکوسیستم تمدنی کارآفرینی

دولت تمدنی لازم است برای فعال‌سازی قابلیت‌های خفته در قلمرو تمدنی، نوعی دیپلماسی تمدنی را در دستورکار قرار دهد. دیپلماسی تمدنی، فراتر از منافع محدود ملی و سرزمینی، در پی تحقق چشم‌اندازهای فراخ تمدنی است. دیپلماسی تمدنی می‌تواند حول زنجیره‌های ارزش کارآفرینی در کشورهای مختلف فعال شود و نظم‌های جدید منطقه‌ای بیافریند.

#### ۴-۱-۵. سکوی مشترک قابلیت‌های تمدنی

در کارآفرینی تمدنی، کسب‌وکارها، صنایع و فناوری‌هایی برای ورود به عرصه کارآفرینی



انتخاب می‌شوند، که نسبت به بقیه بیشتر بتوانند قابلیت‌های مشترک کشورهای قلمرو تمدنی را به کار گیرند. این کسب‌وکارها پروژه‌های مشترک حوزه تمدنی‌اند؛ مثلاً یک حوزه در ایده‌پردازی و طراحی اولیه قابلیت دارد؛ دیگری در تولید انبوه و...

#### ۴-۱-۶. صنایع و فناوری‌های با قابلیت‌های چندمنظوره

صنایع و کسب‌وکارهایی که قابلیت چندمنظوره دارند، نسبت به صنایع تک‌منظوره از ظرفیت بالاتری برای کارآفرینی برخوردارند. منظور از صنایع چندمنظوره، صنایع و فناوری‌هایی هستند که می‌توانند به دلیل دارا بودن «قابلیت‌های اشتراکی»، پیشران و سکوی پرواز سایر صنایع و فناوری‌ها باشند، و به‌همین دلیل فعال‌سازی صنایع با قابلیت‌های چندمنظوره، پیشران بازی بزرگ کارآفرینی و رشد اقتصادی در قلمرو تمدن خواهد بود.

#### ۴-۱-۷. توافقات راهبردی (ریسک و منافع)

بسیاری از صنایع، فناوری‌های نوآورانه که پیشران تغییرات در آینده هستند، مستلزم صرف سرمایه‌گذاری‌های کلان و آمیخته با ریسک بالا هستند؛ درحالی‌که بخش خصوصی متداول صرفاً در رشته‌هایی مانند بورس، دلالی، واردات و... وارد می‌شود که سود کوتاه‌مدت و آنی در پی داشته باشند. در اینجا دولت تمدنی باید به‌طور فعال و عمیق از پس پرده، ظرفیت‌ها را به‌سمت فعالیت‌های سرنوشت‌ساز و قدرت‌آفرین تمدنی هدایت کند.

از آنجاکه ممکن است، بسیاری از ظرفیت‌های انسانی نخبگی از قبیل جوانان و شرکت‌های دانش‌بنیان نوپا و... استطاعت لازم از نظر منابع مالی، فنی و پذیرش ریسک و... نداشته باشند، در اینجا دولت تمدنی برخلاف رویه‌های متداول بوروکراسی مثل مزایده و مناقصه (که فقط بر یک بعد مالی تأکید دارند) باید کارآفرینان واقعی را شناسایی کند و از طریق تأمین منابع مالی، سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌ها، دادن وام و تسهیلات، آموزش و دانش فنی و...، استعدادها را خفته کارآفرینی را در مدارهای متعالی کارآفرینی فعال سازد. دولت تمدنی اگرچه از ابزارهای صلاح و صرفه مکانیکی و ساده مانند مزایده و مناقصه استفاده نمی‌کند و ممکن است منابع و کارخانه و تجهیزات را به‌طور حمایتی به افراد و استعدادهای کارآفرینی بسپارد، اما کنترل راهبردی مستمر دارد

تا منابع واگذار شود و در مسیرهای انحرافی مثل دلالی و واردات، حرام و حیف و میل نشوند. دولت تمدنی ریسک و هزینه‌ها را تقبل می‌کند تا چرخه‌های اشتغال و کارآفرینی به حرکت درآید.

#### ۴-۱-۸. کاشت صنایع و فناوری‌های کارآفرین برای آینده

دولت تمدنی باید از دوره عمر صنایع و فناوری‌ها آگاهی داشته باشد و فقط در کسب و کارهای پربازده زمان حال متوقف نشود؛ بلکه از طریق آینده‌پژوهی، بذره‌های صنایع و فناوری‌های کارآفرین آینده را در محیط تمدنی پرورش دهد تا در آینده، این فناوری‌های نوپا بتوانند قلمرو تمدنی را از کارآفرینی، رونق و شکوفایی آکنده سازند.

#### ۴-۱-۹. قابلیت تجمیع‌پذیری تقاضا

از آنجاکه انباشت تقاضا، محرک اصلی فعالیت‌های نوآورانه در زنجیره کارآفرینی تمدنی است، دولت تمدنی (یا دولت‌های تمدنی قلمرو اسلامی)، تلاش می‌کند تا اولاً فناوری‌ها و صنایعی برای کارآفرینی تمدنی برگزیند، که آنها دارای قابلیت تجمیع‌پذیری در تقاضا داشته باشند؛ ثانیاً تقاضاهای آنها را در سطح، ملی، منطقه‌ای و تمدنی با هم تجمیع کند. این تقاضای تجمیع‌شده تمدنی زمینه اصلی را برای فعالیت‌های کارآفرینی به وجود می‌آورد.

#### ۴-۱-۱۰. مساعدسازی محیط نهادی

دولت تمدنی باید محیط نهادی را برای رویش قابلیت‌های کارآفرینی مساعد سازد. برای مساعدسازی محیط نهادی، دولت تمدنی می‌تواند نهاد قانون‌گذاری، نهاد سیاست‌گذاری و... را برای رویش کسب و کارهای جدید آماده سازد.

#### ۴-۱-۱۱. الگوی کنترل راهبردی به جای کنترل اداری

یکی از عواملی که مجال کارآفرینی را سلب می‌کند، دیوان‌سالاری، الگوهای بوروکراتیک و اداری است. زنجیره‌های ارزش کارآفرینی باید از سلطه کنترل اداری و بوروکراسی به دور باشند تا امکان بازآفرینی‌های بدیع را پیدا کنند. دولت تمدنی باید به جای کنترل‌های اداری، کنترل‌های راهبردی را جایگزین کند. در الگوی کنترل راهبردی، بر این امر تمرکز می‌شود که آیا منابع، ظرفیت‌ها و سرمایه‌گذاری در مسیر درست کارآفرینی جهت‌دهی شده‌اند یا نه.

#### ۴-۱-۱۲. شناسایی تجارب موفق وارد کردن آنها در کارآفرینی بزرگ تمدنی

در صورتی که کنشگران کارآفرینی مبتنی بر بافتار، تجربه‌ورزی‌های فکورانه داشته باشند، آنها به تراز کارآفرینی تمدنی نزدیک‌تر هستند. دولت تمدنی باید کنشگران دارای تجارب موفق را شناسایی و آنها را وارد بازی‌های بزرگ کارآفرینی در مقیاس‌های بزرگ کند. این کنشگران دارای قابلیت می‌توانند شرکت‌های دانش‌بنیان از قبیل فعالین در حوزه توربین‌های نیروگاهی مثل شرکت مپنا باشند. دولت تمدنی باید به این بازیگران مستعد که در مقیاس‌های محدود توفیق داشته‌اند، کارهای بزرگ در مقیاس تمدنی را واگذار کند.

#### ۴-۱-۱۳. مربیگری

در کارآفرینی مبتنی بر بافت تمدنی، دانشگاه (اساتید و ظرفیت‌های پژوهشی و علمی و...) در زنجیره ارزش‌ساز کارآفرینی نقش مربیگری<sup>۱</sup> را بر عهده می‌گیرد. بین اصل استادی و اصل مربیگری به اصطلاح کوچینگ تفاوت بنیادینی وجود دارد. تفاوت بین استادی و مربیگری در این است که در نقش استادی، مطالبی به صورت تئوری و در قالب ماهوی علم و فناوری مثلاً لبه فناوری و دانش و... عرضه می‌شود؛ اما استاد هیچ‌گاه وارد صنعت به مثابه هسته کانونی و عمود خیمه یک حرکت صنعتی و کارآفرینی نمی‌شود. یک استاد متعارف دانشگاهی تدریس یا مشاوره‌هایی را ارائه می‌دهد و پس از تدریس و مشاوره کارش تمام است و دیگر هیچ‌گونه دغدغه‌ای ندارد؛ اما استادی که در نقش مربیگری در زنجیره ارزش‌ساز کارآفرینی ظهور کرده است، از اول تا آخر فرایند کارآفرینی حضور فعالی دارد. او هدایتگر، طراح بازی، الهام‌بخش و پاسخ‌گو در تمام مراحل است. در کارآفرینی تمدنی، مربیگری مورد نیاز است و اساتید خنثی، بدون وجه و بی‌تفاوت نمی‌توانند نقش قابل توجهی داشته باشند. اساتید معمولی و صرفاً، در فراز و فرودهای تیم کارآفرینی و معرکه‌های صنعتی و کارآفرینی وارد نمی‌شوند؛ آنها از راه دور نظریه‌پردازی می‌کنند و اصولاً حوصله درگیری با کارهای ریز و درشت صنعت را ندارند؛ اما اساتید مربی در صنعت، در صحنه و معرکه حضور دارند

1. Coaching.

و به دلیل حضور در میدان، به بصیرت‌هایی دست می‌یابند که جایگزینی جز حضور در صحنه ندارد.

## ۶. نتیجه‌گیری

تمدن عبارت است از همهٔ داشته‌های مادی و معنوی که در سیر تاریخی تدریجی و طبیعی تکوین یافته‌اند. تمدنی بودن، یک رویکرد خنثی، ذهنی و انتزاعی نیست؛ بلکه هر تمدنی جهان انضمامی و اختصاصی خود را از قبیل نظم بین‌المللی تمدنی، واقعیت‌های درونی تمدنی مثل حکمرانی و سیاست‌گذاری تمدنی، و کارآفرینی تمدنی خلق می‌کند.

«کارآفرینی تمدنی» نوعی از کارآفرینی است که دولت تمدنی بر اساس بافتار (همهٔ داشته‌های معنوی و مادی تکوین یافته) برای خلق کسب‌وکارهای جدید و... به کار می‌بندد. در کارآفرینی تمدنی مبتنی بر بافتار اسلامی ایرانی، آیه «الْمُ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» مهم‌ترین ایدهٔ هدایتگر برای دولت تمدنی است. بر این اساس، دولت تمدنی براساس داشته‌های معنوی مثل منابع وحی و سنت، و تجارب زیسته کارآفرینان داخل قلمرو سیاست‌های کارآفرینی در دستورکار خود قرار می‌دهد. کارآفرینی تمدنی ابعاد متعددی دارد. بزرگان‌اندیشی دربارهٔ دولت، نقش‌پذیری دولت و مسئولیت‌پذیری دولت تمدنی فراتر از اصلاح شکست بازار، بلکه خلق بازار و کسب‌وکارهای نوین، از ابعاد مهم است. در کارآفرینی تمدنی، کارآفرینی فقط بر عهدهٔ بخش خصوصی نیست؛ نوعی هم‌تکاملی<sup>۱</sup> بین کارآفرینی دولتی و کارآفرینی بخش خصوصی به پویایی در جریان است. دولت تمدنی اقدام به شکل‌دهی به زنجیره‌های ارزش‌ساز کارآفرینی یعنی غربالگری و انتخاب درست کنشگران مستعد برای کارآفرینی می‌کند. دولت تمدنی یا دولت‌های تمدنی در سراسر قلمرو خود یک اکوسیستم کارآفرینی را مبتنی بر قابلیت‌ها شکل می‌دهند. کارآفرینی تمدنی، سکوی مشترک همهٔ قابلیت‌های تمدنی است. در این نوع از کارآفرینی، بر قابلیت‌های چندمنظوره از صنایع و

۱. منظور از هم‌تکاملی این است که هر دو جریان با هم به بلوغ و تکامل برسند.

فناوری‌ها تأکید می‌شود تا از طریق هم‌افزایی آنها، ظرفیت‌های بالقوه بی‌کران آزاد شود. یکی دیگر از ابعاد کارآفرینی تمدنی، تجمیع تقاضاست. تقاضای تجمیع شده محرک نوآوری کسب‌وکارها و رشد خواهد بود. دولت تمدنی از طریق کنش‌های نهادی، قانون‌گذاری و... شرایط محیطی را برای رویش طبیعی و تکوین کسب‌وکارها آماده می‌سازد. دولت تمدنی به‌جای کنترل اداری و بوروکراسی‌های طویل و زاید، از کنترل‌های راهبردی و کلان برای ارزیابی اهداف استفاده می‌کند. دولت تمدنی، مربیگری را جایگزین استادی به‌معنای متعارف در دستورکار خود قرار می‌دهد.

جدول ۲. تمایز کارآفرینی در دولت تمدنی و سایر اشکال متعارف

ردیف	عنوان	نئوکلاسیک لیبرال	دولت بوروکرات	کارآفرینی تمدنی مبتنی بر بافتار اسلامی ایرانی
۱	منابع	- اصول اقتصاد نئوکلاسیک - تجارب کشورهای غربی مثل جادوی بازار ریگان و دولت کوچک تاچر و...	- اصول اقتصاد متمرکز - بوروکراسی‌ها	- منابع تمدنی مثل: منابع دینی قرآن و... - تجارب زیسته
۲	دولت	- دولت حداقلی، منفعل و در بهترین وضعیت شکست بازار وارد می‌شود - دولت به‌مثابه شر ضروری است	- دولت بسیار حجیم و سنگین است - بوروکرات و دیوان‌سالار، بی‌خاصیت و... - دولت به‌مثابه گره سنگین، تنبل و خواب‌آلوده	- دولت قوی، مسئولیت‌پذیر - دولت شجاع و ریسک‌پذیر به‌مثابه شیر غران، بیدار و تعالی‌گرا است
۳	مسئولیت کارآفرینی	بخش خصوصی کارآفرینی تنهاست	دولت بوروکرات با استخدام‌های انبوه اشتغال‌زایی می‌کند	دولت تمدنی در کنار بخش خصوصی هر دو مسئولیت کارآفرینی را بر عهده می‌گیرند

۴	معیارهای انتخاب فعالین	مکانیسم بازار بر اساس معیارهای سوددهی در کوتاه مدت	فقط زیرمجموعه‌های دولت بوروکراتیک بدون توجه به ملاحظات اقتصادی زیان دهی و...	احراز قابلیت و صلاحیت برای مشارکت در بازی بزرگ کارآفرینی در مقیاس تمدنی
۵	سطح صنایع و فناوری‌ها	صنایع و فناوری‌های با سوددهی بالا در زمان حال	غرق شدن در مسائل صوری و شکلی و غفلت از تغییرات صنعتی و فناورانه	پرداختن به فناوری‌ها و صنایع ساختارشکن و سرنوشت ساز آینده
۶	رابطه ریسک و منافع	کلاً بر عهده مکانیسم بازار است	کلاً بر عهده دولت بوروکرات است	دولت تمدنی ریسک کنشگران مستعد و با قابلیت را برای ورود به فعالیت‌های نوآورانه می‌پذیرد کنشگران منابع و حمایت‌های دولتی را در مسیر و اهداف دولت تمدنی صرف می‌کنند
۷	افق زمانی	صرفاً تمرکز بر سود کوتاه مدت	سرگرم طواهر بوروکراسی فرصت را از دست می‌دهد	بر دوره عمر فناوری‌ها و صنایع تمرکز دارد - کارآفرینی بلندمدت و آینده‌محور
۸	تقاضا	پراکنده	دولت بوروکرات هیچ حسی نسبت به تقاضا ندارد	دولت تمدنی، برای تحریک کارآفرینی‌های نوآورانه، تقاضا را با هم تجمیع می‌کند
۹	دخالت در محیط	محیط تحت الشعاع کنش منفعت‌جویان بازیگران کوتاه مدت قرار دارد	مجال برای تنفس رویش‌های کارآفرینی نیست	دولت تمدنی محیط نهادی، قانون‌گذاری، نهاد سیاست‌گذاری و... برای رویش طبیعی قابلیت‌های کارآفرینی مهیا می‌سازد

در سطح دولت تمدنی، حکمرانی راهبردی حاکم است در سطح شرکت‌ها، حکمرانی شرکتی حاکم است	کنترل اداری متمرکز و بوروکرات بر زیرمجموعه‌ها	کنترل مکانیسم بازار با معیارهای سوددهی	نحوه کنترل	۱۰
- داشتن تجارب موفق - حمایت دولت تمدنی از فعالین مستعد - زمینه‌سازی دولت تمدنی برای واگذاری پروژه‌های بزرگ تمدنی به فعالین دارای قابلیت و فاقد منابع مالی	رویه‌های بوروکرات و متعارف	داشتن منابع مالی	نحوه ورود کسب‌وکارها به کارهای بزرگ‌تر	۱۱
- دولت تمدنی از دانشگاه در قالب مربیگری برای بازی بزرگ کارآفرینی تمدنی استفاده می‌کند	در قالب رویه‌های اداری و قوانین بوروکراسی و...	در قالب رویه‌های متداول استادی، مشاوره	استفاده از دانشگاه	۱۲

## منابع

۱. ابن خلدون. ۱۳۶۶. مقدمه. تهران: علمی و فرهنگی.
۲. «اعتراضات آبان‌ماه ۱۳۹۸ ایران»، ویکی پدیا.
۳. مارش، کارترین. ۲۰۱۱. «گزارش کارترین مارش از دمشق». روزنامه گاردین.
۴. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. ۱۳۹۱. نگاهی به خصوصی‌سازی صنعت برق کشور با رویکرد تجارب جهانی.
۵. نیلی، مسعود. ۱۳۸۲. خلاصه مطالعات طرح استراتژی توسعه صنعتی کشور. انتشارات دانشگاه شریف.
۶. پارسامهر، تقی. ۱۳۹۴. تحلیل گفتمان خط‌مشی‌های عمومی مرتبط با بازنشستگی در جمهوری اسلامی ایران و ترسیم آینده‌های بدیل. رساله دکتری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ع). قزوین.
۷. توین‌بی، آرنولد. ۱۳۷۶. بررسی تاریخ تمدن. مترجم: محمدحسین آریا. تهران: امیرکبیر.
۸. حسینی‌نیا، غلامحسین و معصومه بیطرف. ۱۳۹۴. «دولت کارآفرین، اصول و مفاهیم». سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری. استانبول ترکیه.
۹. دورانت، ویل. ۱۳۵۶. تاریخ تمدن. تهران: بی‌نا.
۱۰. روح‌الامینی، محمود. ۱۳۷۷. زمینه فرهنگ‌شناسی. تهران: مهدی.
۱۱. شریعتی، علی. ۱۳۵۹. تاریخ تمدن. تهران: دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار دکتر شریعتی.
۱۲. طبیبیان، محمد، موسی غنی‌نژاد و حسین عباسی علی‌کمر. ۱۳۹۰. اندیشه آزادی. تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
۱۳. عبدخدایی، مجتبی. ۱۳۹۳. «دولت مدرن، دولت تمدنی». فصلنامه نقد و نظر. دوره ۱۹. ش ۷۵. مهر. ص ۹۷-۱۲۲.
۱۴. فتاحی، حمیدرضا و ندا طباحیان. ۱۳۹۵. «بررسی نقش سیاست‌های دولت در بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه». فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی. ش ۱۶. زمستان. ص ۱۷۳-۱۵۱.
۱۵. «گاه‌شمار اعتراضات در عراق»، ویکی پدیا.
۱۶. «گاه‌شمار جنگ داخلی سوریه». ۲۰۱۱. ویکی پدیا.
۱۷. لوکاس، هنری. ۱۳۶۶. تاریخ تمدن. مترجم: عبدالحسین آذر. تهران: کیهان.
۱۸. نوروزی فیروز، رسول. ۱۳۹۴. «تمدن به مثابه سطح تحلیل». فصلنامه نقد و نظر. سال ۲۰. ش ۸۰. زمستان. ص ۱۳۱-۱۰۱.
۱۹. هانتینگتون، ساموئل. ۱۳۷۸. برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی. مترجم: محمدعلی حمیدرفیعی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲۰. جهانگیری، علی و محمدحسن، مبارکی. ۱۳۸۸. «ارائه چهارچوب ادراکی مناسب از کارآفرینی در بخش دولتی». توسعه کارآفرینی. س ۱. ش ۳. خرداد. ص ۶۰-۳۵.



۲۱. احمدپورداریانی، محمود. ۱۳۸۳. کارآفرینی، تعاریف، نظریات و الگوها. تهران: شرکت پردیس.
۲۲. ذوالفقاری، مهدی. ۱۳۸۸. «بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی سازمانی در سازمان‌های کار و امور اجتماعی استان‌ها». کار و جامعه. ش ۱۱۲. مهر. ص ۸۳-۷۵.
23. Weiwei, Zhang. 2012. **The China Wave: Rise of a civilizational atate**. Singapore: world century Publishing Corporation.
24. Coker, Christopher. 2019. **The Rise of the civilizational state**. Cambridge: polity.
25. Hobson, John M. 2004. **The Eastern Origins of western Civilisation**. Cambridge University Press.
26. Bernal, Martin & Athena, Black. 1987. **The Afroasiatic Roots of Classical Civilization: volume 1, the Fabrication of Ancient Greece 1785-1985**. Rutgers university press. New Brunswick. NJ.
27. Qian, Mu. 2012. **political Gains and Losses in Chinese Dynastic History**. Jiuzhou Press Beijing.
28. Ahlstrom, D. & Ding, Z. 2014. "Entrepreneurship in china: an overview". **International small Business Journal**. vol.32. No.6.
29. Hall, J. K.; Daneke, G. A. & Lenox, M. J. 2010. "Sustainable development and entrepreneurship: past contributions and future directions". **Journal of Business Venturing**. Vol.25. No.5. P.439-448.
30. Tajeddini, Kayhan. 2010. "Effect of customer orientation and entrepreneurial orientation on innovativeness: Evidence from the hotel industry in Switzerland". **Tourism Management**. vol.31.
31. Sadler, Robert. 2000. "Corporate Entrepreneurship in public sector. The Dance of the chameheon". **Australian Jurual of public Admanastration**. Vol.56. 2 June.

